

بسم الله الرحمن الرحيم

احکام پیروی از مجتهد

مسأله 1- هیچ فرد مسلمانی نباید در اصول دین از دیگری پیروی کند، بلکه باید مبانی اساسی دین و مذهب خود را از روی دلیل - به تناسب حال خویش - بداند. اما در خصوص فروع دین یعنی احکام و دستورات عملی، اگر مجتهد باشد (یعنی متخصص و صاحب نظر در استنباط احکام شرعی باشد و بتواند احکام شرعی را از روی دلیل به دست آورد) به عقیده خود عمل می کند. و اگر مجتهد نباشد، باید از مجتهدی که واجد شرایط باشد پیروی کند، همان گونه که همه خردمندان بر اساس حکم عقل، در اموری که تخصص و اطلاع ندارند، به متخصصان و اهل اطلاع مراجعه می کنند و از آنها پیروی می نمایند. همچنین شخص یادشده می تواند عمل به احتیاط کند، یعنی در اعمال خود طوری رفتار نماید که یقین کند تکلیف شرعی خود را انجام داده است، مثلاً اگر بعضی از مجتهدین کاری را حرام و بعضی دیگر آن کار را مباح می دانند آن را ترك کند و یا اگر بعضی، آن را مستحب و بعضی واجب می دانند آن را انجام دهد.

مسأله 2- پیروی از مجتهد در احکام، به معنای استناد عملی به فتوای مجتهد است، به این معنا که اعمال خود را بر مبنای فتوای مجتهد انجام دهد.

مسأله 3- مجتهدی که شیعیان دوازده امامی از او پیروی می کنند باید دارای صفات

زیر باشد:

عادل ، عاقل ، بالغ ، شیعه دوازده امامی ، حلال زاده و زنده باشد.

مسأله 4- هرگاه شخصی بخواهد ابتدانا مجتهدی را به عنوان مرجع خود انتخاب نماید ، باید آن مجتهد زنده و در قید حیات باشد. بنا براین ، ابتداء به پیروی از مجتهدی که از دنیا رفته است جایز نیست.

مسأله 5- هرگاه مجتهدی که از او پیروی می کند از دنیا برود؛ ادامه پیروی از او در مسائلی که به آنها عمل کرده یا ملتزم به عمل به آنها بوده ، در صورت تساوی او با مجتهد زنده ، جایز است ؛ ولی اگر مجتهد زنده از مرجع پیشین او اعلم باشد، نمی تواند بر پیروی از مجتهد قبلی خود باقی بماند ؛ و اگر مجتهد پیشین او از مجتهدانی که زنده هستند اعلم بوده است، ادامه پیروی از وی در مسائلی که به آنها عمل نموده و یا ملتزم به عمل به آنها بوده است واجب است . ولی در زمینه دیگر مسائل و یا مسائل جدید باید از مجتهدی زنده که واجد شرایط باشد پیروی کند.

مسأله 6 - در فتاوایی که مورد اختلاف میان مجتهدین است، باید از «اعلم» (یعنی مجتهدی که دارای احاطه بیشتری به مبانی لازمه جهت استنباط احکام شرعی باشد) پیروی کند.

مسأله 7- راه های شناخت «مجتهد» و «اعلم» بدین شرح است:

الف- این که خود شخص ، اهل علم باشد و آگاه به مبانی باشد و بتواند مجتهد و اعلم را از طریق تالیفات وی یا حضور کارشناسانه در محضر درس او و یا از راه پرسش و پاسخ تشخیص دهد.

ب- این که دو شخص عادل از اهل علم و آشنا به مبانی گواهی دهند، به شرط این که دو نفر عالم عادل دیگر برخلاف گفته آنها شهادت ندهند.

ج- این که مجتهد مذکور آنچنان در میان دانشمندان علوم دینی و محافل علمی به اجتهاد یا اعلیت مشهور باشد که از گفته آنان برای انسان یقین حاصل شود.

مسئله 8 - اگر تشخیص «اعلم» به صورت قطعی میسر نگردد، احتیاط در آن است که از مجتهدی پیروی کند، که گمان به اعلم بودن او دارد و در صورت شك میان چند مجتهد و عدم ترجیح آنها، از هرکدام بخواد می تواند پیروی کند.

مسئله 9 - اگر مجتهد در مسئله ای با صراحت فتوا ندهد، بلکه بگوید: احتیاط آن است که فلان گونه عمل شود، این احتیاط «احتیاط واجب» است و شخص می تواند به آن عمل کند و یا به مجتهد دیگری مراجعه نماید. اما اگر صراحتاً فتوا بدهد ؛ مثلاً بگوید: فلان امر مستحب است و سپس بگوید: احتیاط آن است که ترك نشود، این را «احتیاط مستحب» می نامند و شخص می تواند به آن عمل کند یا نکند. اما اگر بگوید «ظاهر چنین است» یا «اقوی چنین است»، این عبارتها به عنوان فتوا قلمداد می گردد و شخص باید برطبق آن عمل نماید.

مسأله 10- هر فرد مسلمان مکلف، باید مسائل شرعی که نوعاً مورد احتیاج او
میباشد را یاد گیرد و یا طریقه احتیاط در آن را بداند.

مسأله 11- اگر شخصی برای مدتی اعمال خود را بدون پیروی از مجتهد انجام داده و
سپس بنا را بر پیروی از مجتهدی بگذارد، چنانچه اعمال پیشین او، مطابق فتوای این
مجتهد باشد صحیح خواهد بود و در غیر این صورت، باید آن اعمال را مطابق فتوای مجتهد
اعاده نماید.

مسأله 12 - اگر فتوای مجتهدی تغییر کند، باید پیروان وی به فتوای جدید او عمل
نمایند؛ ولی اعمالی را که قبلاً مطابق فتوای سابق او انجام داده اند صحیح است و لازم
نیست اعاده شود.